

دکتر علی اکبر پایدارفر

ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی \*

## فزایند نوسازی و بعد خانوار

« مقایسه استانی در ایران »

The Modernization Process and Household size .  
A Provincial Comparison for Iran.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه :

فزایند (۱) نوسازی (۲) بطوریکه بامعیارهایی نظیر «صنعتی شدن» (۳)، «شهری شدن» (۴) و «تعلیم و تربیت همگانی» (۵) توجیه میشود، عامل محرکی در تغییر ساخت و کارکرد تشکیلات خانواده در جوامع مختلف بوده است. شکل جدید زندگی شهری به همراه خود تضعیف قیود خویشاوندی، کاهش اهمیت اجتماعی خانواده، ناپیدائی همسایگی و فرسودگی (۶) انسجام (۷) اجتماعی را ارمغان آورده است و

\* فارغ التحصیل بخش عمران ملی و جامعه شناسی دانشگاه پهلوی

گفته میشود که رشد شهرگرایی، کارکردهای مختلف خانواده سنتی را بی اهمیت کرده و حتی از بین برده است.

در شهرها امکان به کارگماردن زنان امروزه بیشتر شده و پانسیون شدگان (۸) اغلب جزئی از خانوار محسوب میشوند، ازدواج بتعویق می افتد و نسبت زنان و مردان مجرد بیشتر است (L. Wirth, 1938: 21): زندگی شهری - صنعتی با تبدیل خانواده گسترده به هسته‌ای، پایه‌های خانواده سنتی را متزلزل نموده، که این خود نتیجه عواملی است که خویشاوندان را به مناطق مختلف صنعتی یا موقعیت های جغرافیایی جذب یا از این نقاط دور کرده است. بالاخره، این نوع زندگی بخاطر ترویج انواع مختلف کنترل موالید، موجب کاهش بعد خانوار شده است: (W. Goode, 1963: 241) در خصوص هر کدام از نکات فوق الذکر، جنبه‌های (۹) خانواده، از قبیل ساخت (۱۰) و کارکردهای (۱۱) آن، در روابط بین نوسازی (صنعتی شدن - شهری شدن - تعلیم و تربیت) و خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی، «متغیرهای وابسته» تلقی شده‌اند.

در عین حال لازم به یادآوری است که متخصصین مختلف سازمان خانواده، دلایلی مبنی بر اینکه خانواده هسته‌ای کوچک، در جوامعی که نه شهری و نه صنعتی شده بودند، شکل عمده سازمان خانواده بوده، ارائه داده‌اند مخصوصاً:

آنها بطور قاطعی این عقیده را که «صنعتی شدن» و «شهری شدن» شرایط لازم ظهور خانواده‌وزناشوهری (۱۲) است، رد کرده و غیرمنطقی میدانند. از طرف دیگر، شواهد محدودی نیز، از این فرضیه، که ساخت خانواده هسته‌ای، یکی از شرایط لازم برای توسعه فزاینده شهری و صنعتی شدن است، حمایت می‌کند. ولی هنوز هیچ کدام از دو نظریه فوق بطور قاطع ثابت نشده است. آنچه مسلم است، گاهی اوقات، شرایط «شهری و صنعتی شدن» برای تغییر ساخت خانواده‌گی «کافی» (۱۳) است، اما «لازم» (۱۴) نیست و ماهیت دقیق روابط آنها مبهم

مانده و مطالعه آن پیچیده‌تر از اکثر مطالعاتی است که در زمینه تغییرات

خانوادگی صورت می‌گیرد: (J. Edwards, 1969: 17)

## هدف و فرضیه اصلی:

با در نظر گرفتن مسائل مذکور، به سوی هدف اصلی این مقاله که همانا: تشریح و اندازه‌گیری روابط بین پویش (۱۵) نوسازی و بعد (۱۶) خانوار در ۱۳ استان ایران، (و ایران بطور کلی)، در دو نقطه زمانی سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ است پیش خواهیم رفت. فرضیه اساسی این است که: بعد خانوار با میزان (۱۷) نوسازی (در این مقاله شاخص (۱۸) های، صنعتی شدن - شهری شدن و تعلیم و تربیت عمومی را برای توجیه میزان نوسازی در نظر گرفته‌ایم)، رابطه معکوس دارد.

قبل از ادامه این بحث، لازم است که تفاوت بین «بعد خانوار» (۱۹) و «بعد خانواده» (۲۰) ذکر شود. اصطلاح «خانوار» (۲۱) آنچنانکه در جمعیت‌شناسی (۲۲) به کار می‌رود، عبارت است از «یک واحد اقتصادی- اجتماعی» شامل: ... گروهی از افراد که در محل زندگی و غذاهای عمده، با هم شریک و سهم هستند: (UN, 1958: 4) بنابراین، روابط خونی (۲۳) یا زناشوئی (۲۴) و یا خویشاوندی (۲۵)، لزوماً در معیار تشکیل یک خانوار دخالتی ندارند. «خانواده» (۲۶) چنین تعریف شده است: «روابطی که به فرایندهای «تولید مثل» (۲۷) مربوط یا ناشی از آن است و به وسیله قانون (۲۸) یا عادات و رسوم (۲۹)، تنظیم می‌گردد»: (UN, 1958: 4) بنابراین یک خانوار خانوادگی، (۳۰) تنها شامل اعضای از خانوار می‌باشد که از طریق «خونی» یا «زناشوئی» به هم مربوط می‌شوند. خدمه، دوستان و سایر افرادی که در «خانوار» زندگی می‌کنند جزء «واحد خانوادگی» (۳۱) نیستند. اما میتوان آنان را قسمتی از «واحد خانوار» (۳۲) محسوب داشت.

داده‌های سرشماری بیشتر کشورها، براساس بعد خانوار دسته‌بندی شده است. در سرشماری ایران برطبق استاندارد بین‌المللی، یک خانوار شامل کلیه کسانی است که بدون توجه به روابط آنها با رئیس خانوار (۳۳) با هم در یک واحد مسکونی (۳۴)، زندگی می‌کنند. بنابراین یک خانوار ممکن است شامل: رئیس خانوار، همسر، بچه‌ها، والدین یا سایر نزدیکان و پانسیون شدگان یا خدمتکاران وی، که در یک واحد مسکونی با خانواده زندگی می‌کنند باشد: (Ministry of interior, Public Statistics, 1956)

از آنجا که در این تجزیه و تحلیل (۳۵)، منظور از خانوار تنها خانواده است، کاربرد «میانگین» (۳۶) یا «میانده» (۳۷) ی خانوار برای اندازه‌گیری بعد و ساخت واحد خانواده در ایران و استانهای آن، نسبتاً سطحی است و شاید کلاً دقیق هم نباشد. لکن اگر «داده‌های» (۳۸) سرشماری سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ ایران را بررسی نموده و واقعاً دریابیم که بعد خانوار با افزایش صنعتی شدن - شهری شدن - تعلیم و تربیت یا مدرنیزاسیون کاهش می‌یابد، با اطمینان می‌توان گفت که فرضیه ما تأیید شده است.

داده‌های ممالک مختلف دیگر حاکی از این است که در جوامع خیلی پیشرفته (۳۹)، که تعداد زیادی «خانواده هسته‌ای» (۴۰) وجود دارد، بعد خانوار کوچکتر و کمتر است از ممالک سنتی و فلاحتی (۴۱) که بیشتر خانواده‌ها گسترده (۴۲) و پیوسته (۴۳) است. وانگهی، این مطلب نیز صحت دارد که کشورهای خیلی پیشرفته کنترل موالید (۴۴) را بیشتر اجراء می‌کنند و نتیجتاً «میزان زادورود» (۴۵) پائین‌تری دارند، ناممالک کم‌ترنوسازی شده، (۴۶)، که در آنها کنترل موالید زیاد پذیرفته نشده است. بنابراین امکان دارد، «باروری تفاضلی» (۴۷)، موجب شده باشد که در جوامع پیشرفته بعد خانوار کوچکتر از ممالک کم‌ترنوسازی شده، گردد.

نمای (۴۸) زیر ممکن است ما را در بیان ماهیت فرضیه‌مان یاری کند. (فرضیه این بود که: بعد خانواده در استانهای ایران با میزان نوسازی در آن استانها رابطه

معکوس دارد).

نوع خانواده

نوع جامعه هسته‌ای گسترده / پیوسته

—	+	مدرن
+	—	سنتی

شکل ۱: پیش‌بینی نوع خانوار به وسیله نوع جامعه

نمای فوق این مسأله را که ما انتظار داریم تعداد خانواده‌های هسته‌ای یا خانوارهای کوچک در جوامع پیشرفته نسبتاً بیش از جوامع سنتی و تعداد خانوار یا خانوار بزرگ و گسترده در جوامع سنتی نسبتاً بیش از جوامع پیشرفته باشد، نشان میدهد.

روش تحقیق (۴۹):

داده‌ها:

منابع اصلی تحقیق حاضر، آمارهای حاصله از دوسرشماری عمومی ایران در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ است.

واحدهای تجزیه و تحلیل (۵۰):

بررسی در این جا بر اساس داده‌های مربوط به هر کدام از سیزده استان ایران و همچنین ایران به طور کلی است.

متغیرهای (۵۱) مطالعه:

الف- متغیر مستقل (۵۲): نوسازی (مدرنیزاسیون)

ب- متغیر وابسته (۵۳): بعد خانواده که بوسیله بعد خانوار از داده‌های

سرشماری ایران مشخص شده است. بر اساس یافته‌های تجربی مختلف از سایر تحقیقات، فرض بر این است که پدیده (۵۴) نوسازی، ممکن است عملاً (۵۵) و به طور غیرمستقیم توسط سه متغیر مرتبط (۵۶)، (صنعتی شدن - شهری شدن - تعلیم و تربیت) اندازه‌گیری شود. متقابلاً هر کدام از این متغیرها دارای چندین شاخص با درجات مختلف ظرافت و دقت (۵۷) است. در آغاز ۹ شاخص از سه متغیر مذکور انتخاب شده بود، اما پس از آنکه ضریب همبستگی طبقه‌ای کندال را حساب کردیم تنها ۶ شاخص برگزیده شد\* که بعداً به طور خلاصه توضیحاتی در مورد آنها داده میشود. اما بهتر است ابتدا به ذکر ۹ شاخص اصلی پردازیم که به ترتیب از کمترین حد دقت و ظرافت به بیشترین حد رفته است. هر کدام از متغیرهای سه‌گانه مذکور به وسیله شاخص‌هایی اندازه‌گیری شده‌اند، بترتیب زیر:

متغیر «صنعتی شدن» به وسیله:

الف- درصد مردان فعال (۵۸) در مشاغل (۵۹) غیر کشاورزی

ب- درصد مردان فعال در مشاغل صنعتی (۶۰)

ج- درصد مردان فعال در ارتباطات (۶۱) و حمل و نقل (۶۲)

متغیر «شهری شدن» به وسیله:

الف- درصد افرادی که در نقاط شهری با جمعیت ۲۴۹۹۹-۵۰۰۰ نفر زندگی می‌کنند.

ب- درصد افرادی که در نقاط شهری با جمعیت ۹۹۹۹-۲۵۰۰۰ نفر زندگی می‌کنند.

ج- درصد افرادی که در نقاطی با جمعیت ۱۰۰۰۰۰ نفر یا بیشتر زندگی می‌کنند.

متغیر «تعلیم و تربیت» به وسیله:

الف- درصد کل جمعیت با سواد (۶۳) ۱۰ ساله به بالا

---

\* توسط نویسنده همین مقاله با کاربردن داده‌های چند کشور در حال توسعه و پیشرفته تحقیق مشابهی انجام شده است که در آنجا نیز شاخص مذکور کاملاً مربوط و مناسب بوده‌اند.

(A. Paydarfar, 1967: 141)

ب- درصد مردان (۶۴) باسواد ۱۰ ساله به بالا

ج- درصد زنان (۶۵) باسواد ۱۰ ساله به بالا

برای به دست آوردن معیاری کلی انفرادی، (۶۶) برای متغیر مستقل، يك «مقیاس

نوسازی» (۶۷) بر طبق مراحل (۶۸) زیر ساخته شده است:

### مرحله اول :

به خاطر تعیین، ارتباط های متقابل آماری، (۶۹) بین نه شاخص فوق الذکر، ضریب کندال را برای هراستان، محاسبه کرده ایم. (جدولهای (۵۲) را ملاحظه نمائید)

### مرحله دوم :

هرچند که شاخص های انتخابی در اکثر موارد، ارتباط متقابل داشتند، ولی سه شاخص از بین آنها، خواه به علت داشتن فصل مشترک هائی (۷۰) با سایر شاخص ها و یا به خاطر آنکه سطح (۷۱) ارتباط متقابل آنها نسبتاً پائین بود حذف شدند. بنابراین، شش شاخص زیر به عنوان اجزاء (۷۲) مقیاس نوسازی بکار رفته اند:

۱- درصد مردان فعال در مشاغل غیر کشاورزی

۲- درصد مردان فعال در مشاغل صنعتی

۳- درصد مردان فعال در ارتباطات و حمل و نقل

۴- درصد افرادی که در نقاطی با جمعیت ۱۰۰۰۰۰ نفر یا بیشتر زندگی می کنند.

۵- درصد جمعیت باسواد ۱۰ ساله به بالا

۶- درصد جمعیت زنان باسواد ۱۰ ساله به بالا

### مرحله سوم :

اولاً، بابکار بردن داده های دوسرشماری عمومی ایران در سالهای ۳۵ و ۴۵،

هر استان را بر روی هر کدام از شش شاخص فوق به ترتیب طبقه بندی (۷۳) نموده ایم. ثانیاً، درجاتی (۷۴) را که بر اساس شش شاخص مذکور برای هر استان به دست آمده جمع کرده ایم. این مجموع برای هر سرشماری جداگانه محاسبه شده است. سپس به استانی که «بزرگترین مجموع درجات» (۷۵) را داشت، بالاترین نمره مقیاس نوسازی (۷۶) و به استانی که کوچکترین مجموعه درجات را داشت، پائین ترین نمره را دادیم و بقیه استانها در بین این دودسته جا گرفته اند. (جدول شماره ۳ را به بینید).

### یافته‌ها (۷۷):

نمره مقیاس نوسازی و میانگین بعد خانوار در استانهای مختلف ایران در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. هرچند که نوسازی و بعد خانوار در استانها، در سالهای ۳۵ و ۴۵ رابطه معکوس دارند (جدول شماره ۱)، ولی مقادیر (۷۸) «Tau»،  $-.15$  و  $-.12$  (به ترتیب برای سالهای ۳۵ و ۴۵)، آنقدر بزرگ نیستند که از نظر آماری مهم تلقی شوند. بنابراین، نتایج حاصله از داده‌ها، فرضیه اصلی این تحقیق را تأیید نکرده است. اطلاعات جدول شماره ۳ شگفتیهای (۷۹) مقایسه استانی درجه نوسازی و بعد خانواده را در سالهای ۳۵ و ۴۵ نشان میدهد. به عنوان مثال میانگین بعد خانوار استان مرکزی در سال ۳۵ با داشتن بالاترین نمره نوسازی (۸۰) و استان سیستان و بلوچستان با کمترین درجه نوسازی یکسان بوده است.

### تفسیر یافته‌ها ۸۱:

ملاحظه جدول‌های شماره (۴ و ۵) که شامل داده‌های مربوط به میزان باروری (۸۲) در سالهای ۳۵ و ۴۵، در استانهای ایران است، ما را به این حقیقت آگاه می‌سازد که نسبت باروری (که یکی از طرق بررسی بعد خانوار است)، رابطه‌ای با میزان نوسازی در سطح استان



ندارد (به علاوه در این مدت ده سال ۴۵-۳۵ که سطح نوسازی در ایران بالا رفته، نسبت باروری نیز افزایش یافته است). این عدم ارتباط (۸۳) را ممکن است بتوان بوسیله نظریه تحول جمعیتی (۸۴) توجیه کرد.

به نظر می رسد که تأثیر اولیه نوسازی بريك مملکت یا استانهای مختلف آن، کاهش میزان مرگ و میر (۸۵) بوده و در نسبت زادورود (۸۶) تغییری ندهد. تأثیر نوسازی بر بعد خانوار، احتمالاً برای چندین سال در پشت يك انفجار جمعیت (۸۷) حاصله از کاهش مرگ و میر مخفی مانده است. (جدول ۴ را ببینید).

علاوه بر نظریه تحول جمعیتی تعبیر (۸۸)، دیگری نیز برای توجیه یافته های ما وجود دارد، از قبیل اینکه:

۱- شاید در استانهای ایران، میزان نوسازی آنقدر پائین است که بعید به نظر می رسد تأثیر مهمی روی بعد خانواده داشته باشد.

۲- در ایران هنوز داشتن خدمه ای (۸۹) که در خانوار زندگی کنند خیلی رایج است. بیشتر خانواده های طبقات بالا و متوسط شهری، يك یادو یا سه خدمتکار و گاهی اوقات هم بیشتر، برای انجام کارهای متعدد خانوار نگه میدارند. اغلب ثروتمندان خدمتکاران خود را از روستاها می آورند. بنابراین، اعمال این سیستم، اعضاء خانواده های روستائی را به مناطق شهری منتقل نموده و آنها را به خانوارهای شهری منصوب (۹۰) می کند. اکثر این خدمتکاران، در خانه های اربابان خود زندگی کرده و از اعضاء این خانوارها به حساب می آیند.

۳- بخش بزرگی از جمعیت شهرهای ایران را مهاجران روستائی تشکیل می دهند، که فعلاً جزء گروههای شهری حساب شده اند، در صورتیکه آنها واقعاً روستائی و سنت گرا هستند و خیلی کم تحت تأثیر عقاید و ارزشهای شهری قرار گرفته اند.

شهریگری (۹۱) به عنوان يك معیار نوساختگی، (۹۲) در این قسمت و در حالت فوق

ممکن است مقداری از معنا و اثر خود را از دست بدهد.

## نتیجه :

به منظور آزمایش این فرضیه که «بعد خانواده بامدرنیزاسیون رابطه معکوس دارد»، یک مقیاس نوسازی شامل شش شاخص ساخته شده و برای هر کدام از استانهای ایران به کار رفته است. این مقیاس برای سالهای ۳۵ و ۴۵ ساخته شده و روابط آن باداده‌های سرشماری سالهای مذکور، به وسیله ضریب کندال (Kendall Tau)، امتحان گردیده است. مسأله بغرنج در این جا، جمع کردن داده‌های سرشماری در مورد خانوارها است تا خانواده‌ها. ولی احساس شده است که در این تحقیق بعد خانوار، به قدر کافی شاخص خوبی است برای بعد خانواده. نتایج بررسیها فرضیه ما را رد کرده و روابط حاصله هر چند که در یک جهت قرار دارند ولی از نظر آماری مهم نیستند.

برای حصول این نتیجه غیرمنتظره دلایل گوناگونی در دست است، از جمله:

۱- این حقیقت که نوسازی در ایران هنوز در مراحل ابتدائی (۹۳) است.

۲- نظریه تحول جمعیتی

۳- امکان اینکه نگه داشتن خدمه، بعد خانوار را به عنوان شاخصی برای بعد

خانواده نامناسب (۹۴) کرده باشد.

لزوم تحقیقات بیشتر، قبل از اینکه روابط نوسازی و بعد خانواده را معین کنیم

آشکار است. خصوصاً اینکه به تحقیقاتی در مورد میزان «زادورود» و «مرگ و میر»

بعنوان «متغیر میانی» (۹۵) نیازمندیم. همچنین مطالعاتی که مستقیماً به تغییر نظریات

«گرایش» (۹۶) مردم، به عنوان «متغیر میانی» دیگر مربوط شود، نتایج سودمندی را به بار

خواهد آورد. باید الگوهای مسکن (۹۷) را بررسی نمود، بطوریکه بتوان بعد خانواده

را جدا از بعد خانوار اندازه گیری کرد و یادقیماً تخمین زد. هر چند که تأثیر نوسازی

بر بعد خانواده مسلم به نظر میرسد، اما تا هنگامیکه نتوانیم تأثیرات مختلف نوسازی را جداگانه تجزیه و تحلیل کرده و دقیقاً اندازه گیری کنیم، نتایج قطعی به دست نخواهد آمد.

### خلاصه:

فرضیه وجود رابطه معکوس بین فرایند نوسازی و بعد خانوار، (با استفاده از آمارهای سرشماری سالهای ۱۳۳۵-۱۳۴۵)، در استانهای مختلف ایران آزمایش شده است. یک مقیاس نوسازی، به عنوان شاخص (کلی) مرکب (۹۸) از شاخصهای: شهری شدن، صنعتی شدن و تعلیم و تربیت عمومی تشکیل شد. ضریب کندال در ساختن مقیاس مذکور و همچنین اندازه گیری ارتباط نوسازی با بعد خانوار به کار رفته است. هر چند که این دو متغیر، رابطه معکوس دارند ولی ضرایب «Tau» از نظر آماری آنقدر مهم نیستند که فرضیه ما را تأیید کنند.

به نظر میرسد که میزان بالای باروری و عموماً سطح پائین نوسازی در استانها، به اضافهٔ اعضاء غیر خانوادگی (۹۹) (خدمه) در خانوارهای شهری، سبب شده اند که بعد خانوار در استانهایی که درجه نوسازی آنها زیاد است با استانهایی که این درجه برای آنها کم و پائین بوده، مشابه باشد.

جدول ۱- ضریب کندال مقیاس نوسازی و میانگین بعد خانوار و میزان باروری در استانهای مختلف ایران

۱۳۴۵	۱۳۳۵	
-۰/۱۲	-۰/۱۵	میانگین بعد خانوار*
-۰/۳۱	-۰/۲۱	میزان باروری

\*: حداقل مقدار لازم tau برای ضریب معنی دار ۰/۳۵ است در سطح ۵ درجه

احتمال با  $N=۱۳۳$

جدول ۲- ضریب کندال شاخص‌های نوسازی در استانهای مختلف ایران

بر اساس داده‌های سرشماری سالهای ۳۵ و ۴۵

شاخصهای نوسازی در استانهای مختلف ایران بر اساس سرشماری سال ۱۳۴۵		شاخص‌های نوسازی در استانهای مختلف ایران بر اساس سرشماری سال ۱۳۳۵								
		الف	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
۱	۰/۳۵	-/۳۶	-/۳۱	-/۴۱	-/۲۵	-/۳۱	-/۳۸	-/۱۶		
۲	۰/۱۶	-/۰۷	-/۲۴	-/۰۸	-/۴۰	-/۰۶	-/۰۳	-/۲۵		
۳	۰/۵۵	-/۰۶	۱	۰/۴۳	۰/۵۰	۰/۲۱	۰/۷۹	۰/۳۶		
۴	۰/۱۰	-/۱۰	۱	۰/۵۶	۰/۷۴	۰/۶۲	۰/۳۸	۰/۶۵		
۵	۰/۰۸	-/۰۸	-/۶۱	۰/۹۷	۱	۰/۳۸	۰/۵۹	۰/۳۵		
۶	۰/۱۶	۰/۰۳	۰/۴۴	۰/۸۲	۰/۷۸	۱	۰/۲۹	۰/۷۸		
۷	۰/۱۵	-	۰/۴۴	۰/۵۹	۰/۵۴	۰/۷۱	۰/۷۷	۰/۵۲		
۸	۰/۲۳	-/۱۴	۰/۶۱	۰/۶۷	۰/۶۸	۰/۶۱	۱	۰/۴۵		
۹	-/۰۵	-	۰/۵۰	۰/۵۶	۰/۵۵	۰/۵۵	۰/۷۲	۱		

تذکره:

الف- نقاط شهری با جمعیت ۲۴۹۹۹-۵۰۰۰ نفر

ب- نقاط شهری با جمعیت ۹۹۹۹۹-۲۵۰۰۰ نفر

ج- نقاط شهری با جمعیت ۱۰۰۰۰۰۰ نفر و بیشتر

د- کل جمعیت باسواد ۱۰ ساله بیابا

ه- مردان باسواد ۱۰ ساله بیابا

و- زنان باسواد ۱۰ ساله بیابا

ز- مردان ۱۰ ساله بیابا در مشاغل غیر کشاورزی

ح- مردان ۱۰ ساله بیابا در مشاغل صنعتی

ط- مردان ۱۰ ساله بیابا در ارتباطات و حمل و نقل

جدول ۳ - درجه مقیاس نوسازی و میانگین بعد خانوار برای استانهای مختلف ایران

درسالهای ۱۳۳۵ - ۱۳۴۵

درجه مقیاس نوسازی و میانگین بعد خانوار				استانها
۱۳۴۵		۱۳۳۵		
میانگین بعد	درجه نوسازی*	میانگین بعد	درجه نوسازی*	
۴/۸	۱۲/۳	۴/۶	۱۲/۰	مرکزی
۵/۱	۵/۸	۴/۹	۵/۵	گیلان
۵/۲	۶/۳	۴/۹	۶/۵	مازندران
۵/۳	۶/۰	۵/۰	۵/۸	آذربایجان شرقی
۵/۶	۳/۰	۵/۲	۴/۰	آذربایجان غربی
۵/۱	۵/۵	۴/۹	۵/۳	کرمانشاهان
۵/۴	۱۰/۲	۵/۱	۹/۴	خوزستان
۵/۰	۸/۷	۴/۶	۷/۲	فارس
۴/۶	۶/۰	۴/۴	۷/۶	کرمان
۴/۴	۶/۷	۴/۳	۶/۳	خراسان
۴/۸	۱۰/۲	۴/۵	۹/۸	اصفهان
۴/۵	۱/۸	۴/۶	۱/۰	سیستان و بلوچستان
۵/۲	۰/۸	۵/۲	۱/۵	کردستان
۵/۰	—	۴/۷	—	کل کشور

\* : درجه مقیاس نوسازی (Modernization scale score) برابر است با مجموع درجات فردی (individual rank) استانها با در نظر گرفتن هر کدام از شاخصهای انتخاب شده نوسازی تقسیم بر ۶، تعداد شاخصهای انتخاب شده .

جدول ۴ - درجه مقیاس نوسازی و میزان باروری برای استانهای مختلف ایران

درسالهای ۱۳۳۵ - ۱۳۴۵

درجه مقیاس نوسازی و میزان باروری				استانها
۱۳۴۵		۱۳۳۵		
میزان باروری	درجه نوسازی*	میزان باروری	درجه نوسازی*	
۷۹۸	۱۲/۳	۷۴۱	۱۲/۰	مرکزی
۹۴۹	۵/۸	۸۸۱	۵/۵	گیلان
۹۷۱	۶/۳	۸۷۴	۶/۵	مازندران
۹۷۸	۶/۰	۸۵۹	۵/۸	آذربایجان شرقی
۹۸۰	۳/۰	۹۳۵	۴/۰	آذربایجان غربی
۹۶۱	۵/۵	۹۲۵	۵/۳	کرمانشاهان
۹۸۶	۱۰/۲	۱۰۰۵	۹/۴	خوزستان
۹۴۷	۸/۷	۹۵۶	۷/۲	فارس
۸۸۱	۶/۰	۸۲۲	۷/۶	کرمان
۸۶۶	۶/۷	۷۸۸	۶/۳	خراسان
۹۶۲	۱۰/۲	۸۴۶	۹/۸	اصفهان
۸۸۵	۱/۸	۸۳۴	۱/۰	سیستان و بلوچستان
۹۰۸	۰/۸	۹۳۴	۱/۵	کردستان
۹۱۵	—	۸۶۷	—	کل کشور

\* : میزان باروری عبارتست از تعداد کودکان ۵ ساله بیائین ، تقسیم بر ۱۰۰۰ زن

۱۵ تا ۴۴ ساله :

جدول ۵: شاخصهای نوسازی و تخصیص اعتبارات در استانهای ایران در سالهای ۱۳۳۵-۱۳۴۰ (درصد)

استان	مشت				شهر				رشته				زاد عم				
	مردان		زنان		مردان		زنان		مردان		زنان		مردان		زنان		
	۴۰	۳۵	۴۰	۳۵	۴۰	۳۵	۴۰	۳۵	۴۰	۳۵	۴۰	۳۵	۴۰	۳۵	۴۰	۳۵	
سرکزی	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸
گیلان	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴	۲۸۴
مازندران	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵	۳۰۵
آذربایجان شرقی	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰	۳۷۰
آذربایجان غربی	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸	۳۲۸
کرمانشاهان (ب)	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳	۳۳۳
خوزستان (ج)	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴
فارس (د)	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴	۳۵۴
کرمان (ه)	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰
خراسان	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰	۳۴۰
اصفهان (و)	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴	۴۰۴
سیستان و بلوچستان	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸	۱۹۸
کردستان	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸	۲۵۸
گل کشور	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰	۴۱۰

تذکر: مرزهای بعضی از استانهای رد و سرخط همسایه سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۰ یکسان نبوده است. برای انجام مقایسات لازم اساس کار بر مرزهای استانی سال ۱۳۳۵ است. و شامل بناد روجزایرد به معنای گد اشتباه الف: شامل سمنان. ب: شامل ایلام و بند ج: شامل لرستان، کیکیلویه و بهر احداث. د: شامل بناد روجزایرد به معنای الف و شامل چهارمحال بختیاری

حواشی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

- 1-Process 2-Moderized 3- Industrialization 4-Urbanization  
5-Universal Education 6-Undermining 7-Solidarity 8-Lodgers  
9-Aspect 10-Structure 11-Function 12-Conjugal family-----  
13-Sufficient 14- necessary 15-Process 16-Size 17-Degree  
18-Indicator 19-Family Size 20-Household 22-Demography 23-  
Blood relationship 24-Kinship 25-Family 26-Reproduction----  
27-Law 28- Custom 29- Family household 30-Family unit 31-House  
hold Unit 32-Household head 33-Dwelling unit 34 34-Analysis 36-  
Mean 36-Median 37- Data 38-Highly modernized 39- Nuclear



family 40-Agrarian tradition 41- Extended families 42-Joint -  
families 43- Birth control 44- Fertility ratios 45-Less  
modernized nations 46-Differential fertility 47- Diagram 48-  
Methodology 49- Units of Analysis 50-Variabes 51-Independent  
variabes 52- Dependent variable 53- Phenomena 54-Operationally  
55-Interrelated variable 56- Varing degrees of refinement 57-  
Economically active males 58- Pursuits 59-Manufacturing 60-  
Communication 61- Transportation 62- Literate 63- Male 64-  
Females 65- A single composite measure 66- Modernization scale  
67- Steps 68- Statistical interrelationships 69- Overlap 70-  
Level 71- Component 72- Rank 73- Ranks 74-Highest sum of  
ranks 75- Modernization scale score 76- Findings 77-Tauvalues  
78- Surprises 79- Highest modernization score 80- Interpretation  
of the findings 81- Fertility ratio 82- Incogrunity 83- The  
theory of the demography 84- Mortality rate 85- Fertility rate  
86- Population explosion 87- Interpretation 88- Sevants 89-Attack  
90- Urbanization 91- Modernity 92- Initial stages 93- Inadequte  
94- Intervening variable 95- Attitude 96- Residence pattern

پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## ماخذ

- 1- Blalock, Hubert M.Jr. "Social Statistics"  
(New York ,Mc Grow- Hill, 1960)
- 2- Edward , John N.( ed ) , "the Family and Change"  
(New York, Knopf 1969)
- 3- Goode, William J. " Industrialization and Family Change" in Hoselitz and  
Monne, "Industrialization and society",  
(Paris : Mouton, UNESCO , 1963)
- 4- Ministry of interior public statistics, Tehran ,Iran, "National and  
Prouince Statistics of the First Census of Iran, 1956,Vol II"
- 5-Paydarfar, Ali A,Modernization Process and Demographic changes "Sociological  
Review , 1967,15(1)
- 6- United Nations, "Multilingual Demographic Dictionary"  
(New York : United Nations , 1958)
- 7-Wirth,L. " Urbanism as a way of life, "American Journal of Sociology.  
XLIV: 1(July 1938).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی